

دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۹ هجری قمری

مسجد جامع دانشگاه شیراز

بحث امامت

جلسه هشتم

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۳۹/۰۱/۰۷ هجری قمری مقارن با ۱۳۹۶/۰۷/۰۶ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَنَتِيجَةِ الْعَالَمِ، هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا
حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِرُ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

شب هشتم ماه محرم الحرام، ایام حزن و اندوه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است؛ ان شاء الله حزن و اشک و اندوه ما در این ایام مایه سرور و فرح ما در برزخ و قیامت ما بوده باشد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)؛

امام صادق (علیه السلام) فرمود: در روز قیامت همه دیده‌ها گریان است، مگر دیده‌ای که در مظلومیت ما اهل بیت (علیه السلام) گریسته باشد ۲.

خداوند ان شاء الله اشک ما را در این ایام مایه فرح ما در مراحل پس از مرگ ما قرار دهد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)؛

بحثی که چند شب است در این مجلس آغاز کرده‌ایم مبحث مهم امامت در اسلام و نگاه مذاهب مختلف اسلامی به این مقوله است.

خدمت سروران خود عرض بکنم که این بحث از مباحث زنده جامعه امروز ما است، هرگز این بحث، یک بحث تاریخی محض نیست تا بخواهیم بحث بکنیم بعد از پیغمبر (علیه السلام) چه کسی خلیفه بود؟ نه!

بحث داغ داغ امروز جامعه ما است.

من مدینه منوره بودم چند سال قبل بعد از نماز ظهر امام جماعت مسجد برخاست رو به مردم کرد و گفت:

«إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَدْ أَمَرَ بِصَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ!»

به صراحت گفت: امیر المؤمنین عبدالله بن عبدالعزیز ما را امر کرده است به نماز استسقا و ما فردا نماز استسقا باید بخوانیم؛ چون امیر المؤمنین امر کرده است.

شما مستحضر هستید چند سال قبل در حکومت طالبان در افغانستان به ملا عمر می‌گفتند امیر المؤمنین! الان داعشی‌ها وقتی وارد سوریه می‌شوند یا وارد عراق می‌شدند یک جشن احراق داشتند! جشن احراق یعنی چه؟

یعنی دور هم جمع می‌شدند، آتشی بر می‌افروختند، پاسپورت‌های خودشان را می‌سوزاندند! چرا؟

می‌گفتند ما با امیر المؤمنین ابوبکر البغدادی بیعت کرده‌ایم بیعت را که نباید شکست!

امیر المؤمنین و امام المسلمین ابوبکر البغدادی است؟!

بحث هم در اهل سنت بحث داغی است هم در شیعه.

مباحثی را پیرامون بحث امامت خدمت عزیزان عرض می‌کردم، در ادامه مباحث روایتی از رسول گرامی اسلام

(علیه السلام) داریم که این روایت را هم شیعه نقل دارد و هم اهل سنت و این اهمیت بحث امامت را می‌رساند. پیغمبر فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^۳

هر انسانی، اهل هر مذهب و مکتبی که می‌خواهد باشد، مسلمان باشد یا غیرمسلمان، شیعه باشد یا سنی، اشعری باشد یا معتزلی، فرق نمی‌کند هر انسانی اگر در حال مرگ بود و در آن ساعت لحظه و زمانی که دارد می‌میرد اگر عارف به امام‌زمانش نبود، امام‌زمانش را نمی‌شناخت، مرگ او مرگ جاهلی است. این تعبیر مرگ او مرگ جاهلی است تعبیر کنایی است؛ یعنی مسلمان نمرده است و کافر از دنیا رفته است!

خدای نکرده امشب حضرت عزرائیل بیاید سراغ شما اگر امام‌زمانت را شناسی به مرگ جاهلی مرده‌ای! یعنی کافر از دنیا رفته‌ای و روایت آن‌قدر از نظر اسناد و اسناد محکم است که مولای درز آن نمی‌رود! سر آن هم مشخص است، اگر انسان الگو، مبلغ دین، هادی راه و راهنما را اشتباه گرفت، راه را اشتباه رفته است، اگر انسان الگوی خود، راهنمای راه خود، کسی که می‌خواهد دینش را از او بگیرد، بر اساس فکر او، رأی او، نظر او، خاطرات قلبی او، دینش را تنظیم کند، اگر او یک انسان دغل‌بازی بود، امام نبود؛ بلکه امام نما بود، راه را اشتباه رفته است.

این راه هم دو مسیر بیشتر ندارد، حق و باطل؛ حق، حق است و باطل هم کفر است، نفاق است، دویینی است. کلام رسول خدا (علیه السلام) کلام روشنی است. یکی از مشکلاتی که بعضاً اهل سنت با او روبرو می‌شوند همین روایت است.

ما از این عزیزان می‌پرسیم آقا فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) مشمول این روایت است یا نه؟! یعنی فاطمه (علیها السلام) که ۹۵ روز بعد از ارتحال پیغمبر (علیه السلام) فوت کرد امام‌زمانش را می‌شناخت یا نمی‌شناخت؟! امام‌زمانش که بود؟ همان کسی بود که در بستر فرمود:

«وَاللَّهِ لَا دُعُونَ اللَّهَ عَلَيْكُمَا {عَلَيْكَ} فِي كُلِّ صَلَاةٍ أَصْلِيهَا»؛^۴

من بعد از هر نماز شما دو نفر را نفرین می‌کنم.

{بنابر نظر اهل سنت} یکی از آن دو نفر امام‌زمانش بود قهراً نه؟ انسان که امام‌زمانش را نفرین نمی‌کند!

پس نعوذ بالله؛ چون فاطمه (علیها السلام) نسبت به خلیفه اول چنین دیدگاهی داشت، فاطمه (علیها السلام) امام‌زمانش را شناخت و از دنیا رفت! می‌توانید بگویید:

«مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

امام مجتبی (علیه السلام) از دنیا رفت امام‌زمانش که بود؟

معاویه بود، معاویه‌ای که به تبع پدرش، امام مجتبی (علیه السلام) در هر قنوت نماز او را لعنت می‌کرد؟! به معاویه معتقد بود یا نه؟! اعتقاد به معاویه نداشت؟! اگر معاویه امام المسلمین است؛ یعنی حسن بن علی (علیه السلام) به مرگ جاهلی مرده است!

آن وقت چطور ممکن است به مرگ جاهلی مرده باشد و پیغمبر (علیه السلام) در موردش فرموده باشد:

«وَابْنَاكَ حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛^۵

حسن (علیه السلام) سید شباب اهل جنت است. حسن (علیه السلام) بزرگ و آقای جوانان بهشت است. همان‌طور بیاید جلو تا امام رضا (علیه السلام) وفات کردند، امام‌زمانشان که بود؟ مأمون بود؟

به مأمون معتقد بودند؟

امام کاظم (علیه السلام) به هارون معتقد بودند؟

می‌توانید بگویید امام رضا و امام کاظم (علیهما السلام) نعوذ بالله «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؟! این‌ها تناقضات است، این‌ها چیزهایی است که در جوابش در مانده‌اند و انسان هم درمی‌ماند.

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج

پس مبحث امامت یک مبحثی که مشمول مرور زمان و تاریخ شده باشد نیست. اکنون تمام فتنه‌هایی که در جهان اسلام دارد رخ می‌دهد لااقل در بخش صف نه در بخش ستاد، ستاد را آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها رقم

می‌زنند؛ ولی در بخش صف در بخش ظاهر قضیه با مبحث امامت گره خورده است. انحراف در مبحث رهبری جهان اسلام دارد این‌ها را به بار می‌آورد!

بحث، بحث زنده و اصلاً بحث، بحث تاریخی نیست. مقدماتی را در ارتباط با مبحث امامت خدمت عزیزان خود عرض می‌کردم. مقدمه دیگر اینکه از دیدگاه مذهب ما شیعیان، امام و امامت آثار و شاخصه‌های فراوانی دارد؛ گمان می‌کنم قریب به ۴۰۰ یا ۵۰۰ شاخصه در روایات ما ذکر شده است! من حدود ۲۵۰ شاخصه آن را اینجا نوشته‌ام!

یعنی برای امام قریب ۴۰۰ صفت و ویژگی و خاصیت داریم؛ پس امامت دارای ویژگی‌هایی است. این صفات برخی مربوط به ذات امام و برخی مربوط به بخش صفات امامت هستند و بخشی مربوط به کارها و افعال امام هستند. ذات امام، صفات امام و کارهای امام. ویژگی‌های فراوانی ذکر شده است که ما به این ویژگی‌ها ان‌شاءالله خواهیم رسید.

ما معتقد هستیم امامت مساوی با رهبری جامعه نیست، رهبری جامعه شأنی از شئون امامت است. آن هم در مرتبه کار و در مرتبه فعل؛ یعنی امام علیه‌السلام صدها کار در عالم دارد که یکی از این کارها رهبری جامعه است؛ یعنی الگو اوست، مبلغ دین اوست، هادی هم اوست. صدها کار دارد یک کار این است که کار مهمی نیز می‌باشد. بالاخره مدیریت جامعه کار ارزشمندی است؛ ولی این‌گونه نیست که امامت یعنی رهبری جامعه؛ در نگاه سایر مذاهب اسلامی همین‌طور دیده می‌شود که امام یعنی رهبر جامعه و رهبر جامعه یعنی امام! حالا چطور به این مقام برسد؟

به تبیین نظریه برادران اهل سنت من می‌رسم که آن‌ها می‌گویند چطور امام، امام می‌شود! پنج یا شش راه در این زمینه ذکر می‌کنند که من به عباراتشان می‌رسم با سند خدمت عزیزان عرض می‌کنم. اما در شیعه رهبری جامعه یکی از شئون امام است. مقام امامت بسی برتر و بسی بالاتر از مقام نبوت است و این از ضروریات مکتب شیعه است. دیشب خدمتتان عرض کردم.

مثل حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) درحالی‌که سالیانی است پیغمبر خدا است، باید هفت امتحان سنگین بدهد تا بشود امام! وگرنه مقام امامت را دارا نیست.

این مقام امامت و این مرتبه امامت نه از طرف مردم قابل نصب است و نه قابل غصب است. من یک مثال بزنم! شما یک مقداری برایتان مطلب روشن‌تر شود. شما یک موقعی انگشتی دارید خیلی ارزشمند است. چند تا دزد سر گردنه بگیر، آدم نامرد، دور شما را می‌گیرند انگشت شما را از دست شما در می‌آورند یا کیفی دارید در خیابان‌های شیراز می‌روی موتوری می‌آید کیف شما را می‌قاقد؛ قاپید و رفت!

اما یک موقع خدای متعال به تو ذهن ریاضی داده است، این‌جوری نیست که دو نفر دورت را بگیرند بتوانند ذهن ریاضی تو را بگیرند؛ داده الهی است، ذهن شما ذهن ریاضی است، یک مقداری به انیشتین برده است، این قابل غصب نیست.

شیعه معتقد است مقام امامت قابل غصب نیست!

اصلاً در سقیفه مقام امامت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) غصب نشد!

مطلقاً کسی نمی‌توانست او را غصب کند؛ نمی‌شناختند که بخواهند غصب کنند، آنچه در سقیفه غصب شد رهبری جامعه اسلامی بود و رهبری جامعه اسلامی شأنی از شئون امامت است، اثری از آثار امامت است، کاری از کارهای امام‌المسلمین است که جامعه را رهبری کند وگرنه مقام ولایت و امامت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نه در غدیر نصب شد! نه در سقیفه غصب شد!

آنچه که در غدیر انجام گرفت اخبار از یک امر موجود بود، چیزی که وجود داشت را خبر دادند.

به دستور خدای متعال پیغمبر (سلام‌الله‌علیه) به مردم اخبار کرد و فرمود این مقام هست، علی (علیه‌السلام) امام است، علی (علیه‌السلام) همان کسی است که آن ۴۰۰ ویژگی را دارد آن ۴۰۰ خاصیت را دارا است.

به‌عنوان نمونه عرض می‌کنم علی (علیه‌السلام) واسطه فیض خدا بین خدا و خلق است؛ این در غدیر بیان شد. الان کاری که خبرگان رهبری نسبت به رهبری می‌کند همین است؛ خبرگان کارش نصب رهبر نیست، متن قانون اساسی است، کار خبرگان این است مجتهدان سراسر ایران بنشینند، ببینند آن کسی که بالاترین نصاب را در شرایط رهبری و امامت جامعه اسلامی دارد کیست؟! او را انتخاب کنند و به مردم معرفی کنند.

انتخاب کنند؛ یعنی کشف کنند. دیدید در زمان مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) هم همین‌طور شد. مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) که فوت کردند خیلی بحث شد بروند سراغ مرحوم آیت‌الله گلپایگانی؛ شورا تشکیل

بدهند؛ چند تا بحث و نظر بالا و پایین شد تا به این نتیجه رسیدند نخیر! شخص مقام معظم رهبری ایشان است که شرایط را دارد و بالاترین شرایط را هم دارد. در امامت نیز چنین است، در امامت در حقیقت رسول خدا در غدیر مأمور شد علی (علیه السلام) را که مقام امامت و ولایت را دارا بود به مردم معرفی کند، نصب نیست! تعبیر هم این است:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ ۖ» یا «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ ۖ»
«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ {ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ۸}»

و به صراحت پیغمبر (علیه السلام) فرمود: این کار خدایی است و اصلاً کار من نیست. پیامبر (علیه السلام) به گونه ای عمل کرد که همه بفهمند خدایی است؛ یعنی از مکه مرتب جبرئیل دارد به پیغمبر (علیه السلام) می گوید که سریع تر دیر نشود و پیغمبر (سلام الله علیه) به خاطر عقب مانده بودن اذهان مردم می ترسد! نص آیه قرآن است تا در غدیر خم آیه این چنین نازل شد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ أَمَرَ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ {وَاللَّهُ يَعِصُكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۹}»

اگر علی (علیه السلام) را به امامت به مردم معرفی نکنی رسالت تو از بین رفته است! اصلاً بیست و چند سال نبوت تو حبط می شود و پیغمبر (علیه السلام) هم این کار را انجام داد. همه نوشتند طرف آمد پیش پیغمبر (علیه السلام) گفت: یا رسول الله گفתי نماز بخوانید، خواندید! روزه بگیرید، گرفتیم! زکات بدهید، دادیم! حج بروید، الان داریم از حج با شما برمی گردیم! همه این کارها انجام شد، شما به من بگو اینکه پسرعمویت را و دامادت را آمدی روی گردن ما گذاشتی این هم مثل نماز و روزه امر خدایی است؟ تاریخ نوشته است: پیغمبر (علیه السلام) به پشت سرشان اشاره کردند و فرمودند:

«هذا جبرئیل یا مرفی بذلک؛»

این جبرئیل است دارد این مطلب را به من امر می کند. آن قدر این مرد عرب نافهم و متعصب بود دیگر با پیغمبر (علیه السلام) صحبت نکرد پشتش را کرد به رسول خدا (علیه السلام) شروع کرد خودش را نفرین کردن و دعا کردن.

«اللهم ان كان هذا هو الحق فأمر علي!»

گفت خدایا اگر این مطلبی که این آقا می گوید درست است من کشتی ندارم، عذاب نازل بشود و عذاب نازل شد. ما در جریان غدیر عذاب داریم؛ یعنی از آسمان صاعقه آمده است و این فرد را سوزانده است و بعد آیات نازل شد:

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۱۰»

ذیل این آیات را در تفاسیر ببینید.

پس ولایت و امامت در غدیر نصب نشده است و در سقیفه غصب نشده است؛ چون نه قابل نصب است و نه قابل غصب است.

از این شاخصه هایی که در ارتباط با امامت هست و ما باید این شاخصه ها را بدانیم و نسبت به امام این شاخصه ها را بفهمیم من بخشی را خدمت عزیزان بیشتر نمی رسم عرض بکنم.

این شاخصه ها را بعضاً چند مورد آن را خدمت رفقا عرضه بداریم به نگاه خودتان به مسئله رهبری جامعه افتخار کنید و در مقام مقایسه او را سر دست بگیرید و به عالمی این را نشان دهید. مرا یاری کنید و نفس مرا یاری دهید { با صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم).

اولین نکته ای که در ارتباط با شخص امام مطرح است این است که امام در هر زمانی واسطه فیض پروردگار به همه ما سوی الله است. تعبیر من از نظر فلسفی تعبیر درستی نیست؛ ولی برای تفهیم مجبور هستم این طور بگویم. ما جهان هستی را در نظر بگیریم موجود اول در جهان هستی خدای متعال است.

«هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ ۱۱»

اگر بخواهیم یک پله از خدای متعال بپایین و ببینیم نزدیک ترین موجود به ذات پروردگار چه موجودی است؟

مکتب شیعه می گوید: نزدیک ترین موجود به ذات پروردگار حجت خدا است، ولی خدا است، پیغمبر آن زمان یا امام آن زمان است؛ چون مقام و منزلت او در جهان هستی آنجا است؛ لذا است که واسطه فیض الهی است؛ یعنی فیض پروردگار به ما سوای پروردگار از طریق حقیقت امام می رسد و واصل می شود، این قانون الهی است. اگر ما در مورد حجت بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (شب جمعه است و شبانه روز جمعه متعلق است به امام زمان) می گوئیم: «يُعْمَنُهُ رُزْقُ الْوَرَى ۱۲»؛ بلافاصله می گوئیم: «وَيُوجُودُهُ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ ۱۳»؛

وری یعنی ماسوی الله. به یمن او ماسوی الله روزی می خورند؛ یعنی چه؟ یعنی فیض خدا به موجودات از طریق امام نشئت می گیرد. این فیض هستی و لوازم هستی است. اگر ما هستیم، گیاهان هستند، درختان هستند، ماهی ها هستند، دریاها هستند، صحراها هستند، ملائکه هستند، فرشتگان هستند، جنیان هستند، آسمانیان هستند، زمینیان هستند، در زمان ما همه این رزق و روزی از دریچه هستی حجت بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین له الفداء است و از دریچه نفس این بزرگ دارد فیض داده می شود.

مرحوم آیت الله بروجردی را خدا رحمت کند؛ همین ایام محرم در مجلس ایشان روضه برگزار می شد و چندین هزار نفر شرکت می کردند. مرحوم آقای فلسفی از تهران می آمدند منبر می رفتند، دیگر خطبا منبر می رفتند، بین دو تا منبر ایشان رفته بودند تجدید وضو کنند دیدند یک نفر شعار صلوات دارد می دهد در این شعار صلواتی که داشت می داد اسم ایشان را گذاشت کنار اسم امام زمان!

ایشان همین طور که آستین هایشان بالا بود و آماده وضو گرفتن بودند، برگشتند به مجلس و صورتشان سرخ و ناراحت!

آن قدر آقای بروجردی ناراحت بودند که شاگردانشان می گویند ما مثل این ناراحتی را از مرحوم آقای بروجردی در غیر این مورد ندیدیم!

با صدای بلند فرمودند: چه نفهمی! چه بی ادبی! چه بی تربیتی! اسم من را کنار اسم امام زمان گذاشت؟ که بود این نفهمی را انجام داد؟! این کسی است که مقام امام می شناسد.

مرحوم آقای بروجردی بعضی معتقد هستند در فقهای شیعه از عصر غیبت صغرا تا الان در فقه مثل او کسی نیامده است!

حرف خیلی گزافه ای هم نیست. واقعاً فقیه است واقعاً در فقه نوآور است. در رجال که صاحب ابداعات است. طبقات رجالی را ایشان در شیعه اختراع کرده است.

فرمودند: چه کسی اسم من را گذاشت کنار اسم امام زمان؟! «أين الثرى من الثرى!»

چه نسبت خاک را با عالم پاک!

امام زمان (علیه السلام) واسطه فیض الهی است. حجت خدا واسطه فیض خداست و به این مطلب روایات ما، ادله ما، تصریح دارد.

در دعاهایی که شما می خوانید در زیارت جامعه ای که شما می خوانید فراوان است. یک مورد دو مورد نیز نیست. هیچ مکتبی و هیچ مذهبی الان که من دارم با شما صحبت می کنم در ارتباط با رهبری جامعه چنین دیدگاهی ندارد! اینکه رهبر جامعه باید کسی باشد، امام باید کسی باشد که واسطه فیض خدا باشد و هیچ حجابی بین او و بین خدای متعال نباشد. چنین دیدگاهی در مکاتب و مذاهب فعلی وجود ندارد.

دوم، امام (علیه السلام) که حجت خداست، معصوم است؛ ما شیعیان به قول به عصمت مشهور هستیم. معصوم یعنی چه؟

یعنی نعوذ بالله گناه کبیره ندارد؟

گناه صغیره ندارد؟

خلاف مروت ندارد؟

خطا از او صادر نمی شود؟

فراموشی ندارد؟

سهو ندارد؟

به هیچ وجه؟

ما در مورد ائمه (علیهم السلام) معتقد هستیم که این ها ترک اولی هم ندارند!

در انبیاء ترک اولی را گناه قائل هستیم. اما در مورد چهارده معصوم شیعه به ترک اولی هم معتقد نیست.

اگر بخواهم یک مقداری ساده تر بیان کنم الان امام زمان (علیه السلام) حدوداً ۱۲۰۰ سال سن دارد. در مجموع این

۱۲۰۰ سال دریغ از یک غیبت، یک تهمت، یک نگاه به نامحرم، یک بدگمانی، یک گناه صغیره، یک خطا، یک نسیان، یک سهو، یک شب نماز شب قضا بشود، مطلقاً این چنین نیست.

رسول گرامی اسلام داشتند غنائم را پخش می کردند، مردم هم در صف ایستاده بودند و سهم می گرفتند. بیت المال جمع می شد بعد هم بین مسلمین پخش می شد. پیغمبر بالسویه هم پخش می کردند. یکی از اشکالات اولیه ای که به علی ابن ابی طالب (علیه السلام) گرفتند همین بود. طلحه و زبیر و دیگران گفتند: آقا چرا بالسویه؟ چرا از منهاج خلفای راشدین شما جلو می زنید؟

چرا جور دیگری عمل می کنید؟

خراج و مالیات آفریقا آمد!

خراج یک منطقه به آن عظمت!

همه را جناب عثمان بخشید به مروان!

گفتند: آقا! مروان و پدرش را پیغمبر (علیه السلام) لعنت کرده است؛ هم حکم را، هم مروان را.

گفت: لعن شده باشد! این فامیل من است. هیچ کس هم منکر این در تاریخ نیست؛ یعنی همه این را نوشتند. تمام خراج آفریقا رفت در شکم مروان!

مشکلی که با امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشتند همین بود. می گفتند: چه معنی دارد تو مساوی توزیع می کنی!

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: اینکه مال الله است، اگر مال خودم هم بود مساوی می دادم، اینکه دیگر مال من نیست مال خداست. اگر مال خودم هم بود مساوی می دادم. از اشکالاتی که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گرفتند همین بود.

حال پیغمبر (علیه السلام) هم داشت بالسویه بیت المال را تقسیم می کرد. یک عرب نفهمی آمد جلو تازه مثل اینکه مسلمان شده بود یا بالاخره ادراکات مردم مختلف است. اولاً پیغمبر (علیه السلام) را با اسم صدا کرد!

با اینکه خدا در قرآن فرمود: پیغمبر را به اسم نخوانید. بی ادبی می کردند، از راه های مختلف می آمدند پشت دیوار خانه های پیغمبر (علیه السلام) که این خانه ها اتاق بود، اتاق های سه در سه یا سه در چهار؛ پیغمبر در اینجا که گلی هم بود زندگی می کردند. از پشت این اتاق ها فریاد می زدند داد می زدند یا محمد! بیا بیرون!

پیغمبر (علیه السلام) را وقت و بی وقت می کشیدند از زندگی شخصی شان بیرون. اما پیغمبر (علیه السلام) ندار بودند و خودمانی بودند و می آمدند.

تاریخ نقل کرده است از راه دور اگر آمده بودند می نشستند جلوی پیغمبر (علیه السلام) پاهایشان را دراز می کردند و می گفتند پای ما را بمال خسته شده ایم راه آمدیم اینها ورم کرده اند و رسول خدا (علیه السلام) این پاها را ماساژ می داد.

آیه نازل شد اولاً بگذارید خود پیغمبر از خانه بیاید بیرون! صدا نکنید!

آن هم بشر است استراحت دارد، آرامش دارد. دوم به اسم صدا نکنید.

«لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۱۴»

ادب داشته باشید و بگویید یا رسول الله!

حال این عرب ادب نداشت. پیغمبر (علیه السلام) را به اسم صدا کرد. یک کلمه گفت: «اعْدِلْ بِالسَّوِيَّةِ!»

عدالت به خرج بده و عادل باش. آن کسانی که این قسمت تاریخ را نوشتند، بیان کردند:

«إِنْ أَنَا لَأَعْدِلُ قَدْ وَجَّهْتُ وَخَسِرْتُ فَمَنْ يَعْدِلُ؟ ۱۵»

به تعبیر من فرمودند: من که سید ولد آدم هستم!

آقای فرزندان آدم هستم!

من که به سر تاج لولاک دارم!

که «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْآفَلَكَ ۱۶»

من که امام الانبیاء هستم!

من که خاتم النبیین هستم!

من که در جهان هستی دومین موجود هستم در رتبه بعد از پروردگار!

من بخواهم عدالت به خرج ندهم چه کس دیگری می خواهد بر عالم عدالت به خرج بدهد؟

آخر فهم و شعور هم خوب است!

من بخواهم عادل نباشم پس چه کسی عادل است؟

شیعه می گوید: چون امام واسطه فیض الهی است؛ لذا معصوم است و از گناه کبیره، گناه صغیره، از خلاف مروت، از خطا، از نسیان، از سهو و حتی از ترک اولی بری است.
حالا ولو مثل امام زمان (علیه السلام) ۱۲۰۰ سال عمر کند. فرق نمی کند!
حجت خداست و واسطه فیض است.

عصمت را برای خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) اول قرآن تثبیت کرد. با من بخوانید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ۱۷.

و این عصمت موهبت است. البته تلاش انبیاء و اوصیاء نیز هست؛ ولی برای اینکه در الگو بودن الگوها خدشه ای وارد نشود خدای متعال انبیاء، اوصیاء و ائمه (علیهم السلام) را معصوم قرار داده است.

عرض کردم تلاش آن ها نیز هست و این عصمت فقط شامل گناه نکردن نیست؛ چون ظاهراً در غیر انبیاء و اوصیاء هم داریم؛ مانند برخی علمای شیعه مثل مقدس اردبیلی که ادعا داشتند ما گناه نکرده ایم!

بعضاً گفتند ما تصور گناه هم نکرده ایم!

درست هم می گویند!

داشتیم کسانی را که اهل گناه نبودند نه صغیره و نه کبیره. اما عصمت از خطا، نه عصمت از سهو!

نه عصمت از نسیان و فراموشی!

خدا آمد الگوها را، قله ها را؛ یعنی انبیاء، اوصیاء و ائمه (علیهم السلام) را معصوم قرار داد و این موهبت الهی است.

برای اینکه در جان من، در نفس من، مشکل ایجاد نشود!

الآن یکی از مشکلاتی که ما در توده مردم داریم و من حق می دهم به مردم، به صراحت عرض بکنم در این کشور هیچ کاره هم نیستیم!

ولی اینجا به مردم حق می دهم، می گویند: آقا فلان کار خلاف را نکن!

می گوید آقا مسئولین هم دارند می کنند!

می گویند: آقا رانت نخور!

می گوید گنده تر از ما دارد می خورد!

می گوید: آقا خط و خط بازی نکن! شایسته سالاری کن!

می گوید: آقا در رأس نظام نمی کنند؟!

شهردار است، خیلی هم خوب کار کرده است عالی! همه از او راضی هستند، چپی می رود، راستی می آید! راستی

می رود چپی می آید! شهردار را بر می دارند! آقا برای چه؟ استاندار است و خوب کار کرده است، اعتقاداتش خوب

است، عملکردش خوب است، همه چیز آن خوب است، کار اداری را بلد است، امر مافوق را هم می فهمد، استاندار

است، فرماندار است؛ چه معنا دارد تا دولت ها عوض می شود، قطار می آید یک قطار خالی می شود؟! دومرتبه پر می شود!

هیچ این نگاه، نگاه دینی و اسلامی نیست.

به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفتند: آقا! این چه جور زندگی است؟!

آخر این چه جور زندگی کردن است؟!

واقعاً برای ما قابل تصور نیست!

خودش در نهج البلاغه فرمود:

«وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ {وَلَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفَّةٍ وَسَدَادٍ} ۱۸».

شما نمی توانید! نان آن قدر خشک بشود شما با سر زانویت بشکنی! در روغن هم نرنی! خشک بگذاری دهانت با

مقداری نمک! سر سفره ای که دو خورش است خورش هم یعنی مثلاً شیر یا سرکه یا نمک نشینی! سفره یک

خورشت باید داشته باشد! نان هست و نمک! نان هست و شیر! نان هست و سرکه!

گفتند: آقا! این چه زندگی است؟

دو تا لباس هم که بیشتر نداری!

آن را درمی آوری این را می پوشی!

این را درمی آوری آن را می پوشی!

خودش در نهج البلاغه فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَمِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ»؛ امام شما دو تا طمر دارد.

حضرت یک نکته فرمودند که درس برای مسئولین کشوری ما است. فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أَيْمَةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدُرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ»^{۱۹}.

خدا بر والیان عادل واجب و فرض کرده است که خودشان را در سطح فقیران قشر آسیب پذیر و مستضعفان نگه دارند، تا آن‌ها تحمل کنند، تا آن‌ها کشش داشته باشند.

من قبلاً هم گفتم روی این منبر تکرار می‌کنم، بعضی از نزدیکان مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) نقل کردند که ایشان فرمودند: من بخواهم نقل وانتقال خانه داشته باشم، کل زندگی‌ام در یک وانت جا می‌شود!

فرش‌های ایشان بعضاً مال زمانی است که ایشان ازدواج کردند و همه چیز آن از بین رفته است. به همین دلیل است که دل‌داده دارد، این است که مرید دارد، از سر محبت به او نگاه می‌کنند.

چقدر زیبا است که امام معصوم با اینکه عصمتش موهبتی است؛ ولی برای اینکه بتواند الگو باشد چنین عمل می‌کند.

اگر امام و پیغمبر اشتباه کند، خطا کند، نسیان کند، این تسری پیدا می‌کند به سایر مطالبش!

چرا پیغمبر (علیه‌السلام) روز پنجشنبه وقتی فرمود: یک قلم و کاغذ بیاورید من برایتان وصیتی بنویسم که بعد از من گمراه نشوید!

آن آقا درآمد گفت:

«إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ {قَدْ غَلَبَهُ الْوَجَعُ} وَعِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ، حَسْبُكُمْ كِتَابُ رَبِّكُمْ. وَفِي رِوَايَةٍ ابْنِ عُمَرَ {مِنْ غَيْرِ كِتَابِ

الْحَمِيدِ}، قَالَ عُمَرُ: {إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ!} ۲۰».

پیغمبر (علیه‌السلام) هذیان می‌گوید!

مریضی به او فشار آورده است!

نعوذ بالله!

در صحیح بخاری هفت جا این داستان تکرار شده است، شش جای آن ذکر نشده است آن آقا که بود!

اما یک جایش اسم برده شده است. جاهای دیگر گفته‌اند فقال فلان، یک جا اسم برده است ۲۱.

پیغمبر (علیه‌السلام) نیز اصرار نکردند؛ چرا اصرار نکردند؟

رسول خدا (علیه‌السلام) حکیم است، پیغمبر خداست. اگر اصرار می‌کردند و این نامه نوشته می‌شد فردا می‌گفتند که ما همان جا گفتیم: این مریضی به او فشار آورده است هذیان می‌گوید و اعتبار ندارد پس این معتبر نیست.

کاش به همین میزان اکتفا می‌کردند؛ می‌گفتند: ۷۰ روز قبل هم که در جریان غدیر خم آن حرف‌ها را زد آن موقع هم تب داشت!

آقا حالش خوب نبود!

یواش یواش می‌آمدند به سوره‌های قرآن نسبت می‌دادند که بعضی از سوره‌ها را نیز ما یادمان است بیماری داشت! دل درد داشت! تب داشت! حالش خوب نبود!

پیغمبر (علیه‌السلام) دید یک مسیری گشوده می‌شود که دیگر نمی‌شود جمعش کرد؛ لذا اصرار نکردند و فقط کاری که کردند ناراحتی‌شان را ابراز کردند. فرمودند:

«قَوْمُوا عَنِّي فَلَا يَتَّبِعُنِي عَنِّي التَّنَازُعُ» ۲۲.

بلند شوید بروید بیرون! نزد پیغمبران تنازع خوب نیست!

بیرونشان کردند؛ ولی نامه را نوشتند؛ چون وقتی انگ خورد این تسری پیدا می‌کرد. اگر پیغمبر (علیه‌السلام) یک نسیان، یک خطا، یک سهو، یک اشتباه، داشته باشد، از باب حکم الامثال فی ما یجوز و فی ما لا یجوز واحد که

یک قانون فلسفی است؛ یعنی اموری که مثل هم است اگر ممکن است، همه آن ممکن است، اگر ممکن نیست، هیچ چیز آن ممکن نیست؛ یک مورد اگر پیدا می‌شد تمام بود؛ لذا شما در طول زندگی انبیاء و اوصیاء می‌بینید،

حداکثر چیزی که برای آن‌ها تثبیت کردند ترک اولی است که ما او را هم در ارتباط با چهارده معصوم قبول نداریم. هنوز در مقدمات بحث امامت به سر می‌بریم. نثار روح چهارده معصوم (علیهم‌السلام) صلوات محمدی ختم کنید.

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَجَسَدِكَ؛ صَبْرَتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمَصْدَقُ؛ قَتَلَ اللَّهُ مِنْ قَتْلِكَ

بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ».

شب هشتم شب علی اکبر (سلام الله علیه) است. آن قدر سیدالشهداء (علیه السلام) به پدرش علاقه دارد که اسم چند تا از پسرانشان را علی گذاشت.

مستحضر هستید امام حسین (علیه السلام) نام علی اکبر یا علی اوسط یا علی اصغر (علیهم السلام) نگذاشته است. همگی علی گذاشته شدند. بعدها مردم برای اینکه اشتباه نکنند پسوند اکبر و اصغر و اوسط را اضافه کردند و گرنه امام حسین (علیه السلام) نام را علی گذاشت.

عبیدالله هم پرسید از امام سجاد (علیه السلام) که اسمت چیست؟

حضرت فرمودند: علی!

گفت در گزارش های کربلا به من نوشته بودند: علی پسر حسین کشته شد!

حضرت فرمودند: او برادر من بود.

پرسید: یعنی تو علی هستی و او نیز علی است!

حضرت فرمودند: پدرم پدرش را دوست داشت. اسم چند تا از فرزندان را علی گذاشت.

چه اینکه نام چند تن از دخترانش را فاطمه گذاشته است. امام حسین (علیه السلام) هم فاطمه کبری دارد، هم فاطمه صغری دارد، فاطمه کبری همسر حسن بن الحسن، حسن مثنی است.

فضا چه بوده است!

آن قدر با این خاندان دشمنی بوده است که نامه نوشت معاویه به همه استانداران، ببینید اگر کسی نام او علی است نامش را از فهرست دیوان حذف کنید؛ یعنی چیزی از بیت المال به او داده نشود؛ مردم شروع کردند آنهایی را که اسمشان علی بود عوض کردند.

مبارزه منفی این است که سیدالشهداء (علیه السلام)، امام المسلمین، سه تن از بچه هایش را علی می نامد و دو تن از دخترانش را فاطمه می نامند.

خیلی سیدالشهداء (علیه السلام) به این فرزندش علاقه مند است.

اساتید ما می فرمودند: ما در بین امامزاده ها خیلی خیلی اندک امامزاده هایی داریم که به امامت نرسیده اند؛ ولی نور امامت را داشتند؛ مثل علی اکبر (سلام الله علیه).

در زیارت نامه اش هم ما مطالبی داریم که این مطلب از آن استفاده می شود که مقام عرفانی و مقام معنوی علی اکبر (سلام الله علیه) خیلی بالا است.

در روز عاشورا طبق نقل مرحوم شیخ جعفر شوشتری امام حسین (علیه السلام) شهادت دادند به حال فنائی این فرزند. به زن ها فرمودند: «دَعُوهُ فَانَّهُ مَمْسُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ».

اولین کسی است که از اهل بیت به میدان آمده است. اصحاب کم و بیش شهید شده بودند.

آمد خدمت پدر ایستاد. بابا می خواهم بروم به میدان!

همه کسانی که مقتل را نوشتند اینجا را این طوری نوشتند: «فَلَمْ يَتْرِكْ وَلَهُ يَتْلُبْ»؛ امام (علیه السلام) درنگ نکرد؛ تا عرضه داشت: می خواهم بروم به میدان! فرمود: برو!

اول ز جوان خود گذشتن این رسم مروت حسین است

خیلی علی اکبر (علیه السلام) خوشحال شد که می خواهد برود به میدان!

ظاهراً مادر علی هم در کربلا نیست و تمام توجه به پدر است.

طبق نقلی که بعضی مقاتل دارند امام حسین (علیه السلام) به این پسر فرمودند: پسر من خواهی بروی به میدان برو؛ اما دو کار را انجام بده، با خانم های حرم خدا حافظی کن!

بالاخره بزرگ این خاندان تو هستی، مؤذن حرم هستی؛ زیرا شب عاشورا تلاش کردند آب بیاورند؛ دوم اینکه فرمود: از خانم ها که خدا حافظی کردی بیا یک مقدار جلوی من راه برو!

دیروز و امروز مردم ایران برای شهید حججی چه کردند!

خدا شاهد است من از سیما می دیدم منقلب می شدم و می گفتم: یا ابا عبدالله! کاش بخشی از این جمعیت کربلا بودند.

با خانم ها خدا حافظی کرد، نمی گذاشتند بیاید امام حسین (علیه السلام) نهیب زد: «دَعُوهُ»!

رهاش کنید! حالش را نمی بینید؟

«فَإِنَّهُ مَمْسُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ».

ما این تعبیر را از پیغمبر (علیه السلام) راجع به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داریم ۲۳.

نمی بینید خدازده است! مس در خدا و فانی در خدا است؟! او را رها کردند.

آمد خدمت اباعبدالله! همه مقاتل اینجا را این طوری نوشتند: علی وقتی شروع کرد آرام آرام راه رفتن؛ «نَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرًا آيسٍ مِنْهُ ۲۴!»

بابا یک نگاه ناامیدانه‌ای به او کرد. من دقت کردم در مقاتل امام حسین (علیه السلام) چند بار در کربلا نفرین کردند و خود این نفرین یک شاخصه است؛ یعنی جاهایی که امام حسین (علیه السلام) خیلی به ایشان فشار وارد شده است آن جا زبان به نفرین گشودند. از جاهایی که نفرین کردند اینجا بود؛ رو کردند به عمر بن سعد (لعنة الله عليه) فرمودند: نسل من را قطع کردی! خدا نسل تو را قطع کند!

دوباره من در مقاتل نگاه کردم تنها مقتلی که سیدالشهداء (علیه السلام) سه مرتبه گریه کرده است، دو مرتبه را آهسته گریه کرده است که دشمن نفهمد؛ اما بار سوم نتوانست خودش را نگه دارد. مانند اینکه چطور امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تغسیل فاطمه (سلام الله علیها) آرام گریه می کرد وقتی دستش به آن پهلوی شکسته رسید، شروع کرد دادزدن!

سلمان آمد جلوی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، خودتان گفتید آرام گریه کنید! فرمودند: الان دستم رسید به آن بازوی ورم کرده!

سیدالشهداء (علیه السلام) هم وقتی نشست سر جنازه علی اکبر (علیه السلام) تمام مقاتل نوشتند: «فَبَكَى بَكَاءَ عَالِيًا ۲۵» شروع کرد فریادزدن.

تازه یک مقدار خطر رفع شده است؛ یعنی چه؟

یعنی بعضی گفتند: حتی قبل از اباعبدالله (علیه السلام) زینب کبری (علیها السلام) از خیمه آمده است بیرون، دو جمله بیشتر نمی گوید!

مدام فریاد می زند: «وَأَخِيَاهُ وَابْنِ أَخِيَاهُ!»

نگفت: برادرم!

گفت: وای برادر کوچک شده‌ام! وای برادر تحقیر شده‌ام!

آمد نشست زینب کبری (علیها السلام) سر جنازه علی اکبر (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) خواهر را بلند کرد و فرستاد به طرف خیمه و خودش نشست بالای جنازه علی اکبر (علیه السلام) این اشک‌ها روان است. بلند بلند دارد گریه می کند. دلش آرام نگرفت صورتش را گذاشت روی صورت علی (علیه السلام).

شدیدترین جمله را امام حسین (علیه السلام) اینجا فرموده است: بعد از تو ماندن در دنیا فایده ندارد!

«عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا ۲۶»؛ خاک بر سر دنیا بعد از تو!

تمام شده است می خواهد علی را به خیمه ببرد چه جور ببرد!

یک جنازه‌ای که «فَقَطَّعُوهُ بِسُيُوفِهِمْ إِرَابًا ۲۷»

دست‌ها را جدا کردند!

نوشتند عباى خودش را پهن کرد و این جسد تکه تکه را در عبایش گذاشت. حالا آمده است بلند کند؛ ولی قوت ندارد؛ فریاد زد: یا فتیان بنی هاشم!

دست‌هایت را بیاور بالا، سه مرتبه بگو: یا حسین (علیه السلام)...

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.»

فهرست منابع

۱. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۲، ص ۱۸.
۲. به همین مضمون؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمدمهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۸، ص ۲۳.
۳. ابن حمزه، محمد بن علی، و علوان، نبیل رضا. ۱۴۱۲-۱۳۷۰. الثاقب فی المناقب. ۱ ج. قم - ایران: انصاریان، ص ۴۹۵.
۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمدمهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۲۸، ص ۳۵۸.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، و غفاری، علی اکبر. ۱۳۹۵-۱۳۵۴. کمال الدین و تمام النعمه. ۲ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۱، ص ۲۶۳.
۶. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴، ص ۵۶۶.
۷. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۱، ص ۴۲۰.
۸. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۱، ص ۲۹۴.
۹. سوره مائده، آیه ۶۷.
۱۰. سوره معارج، آیه ۱.
۱۱. سوره حدید، آیه ۳.
۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، و اعلمی، علاء الدین. ۱۴۲۳-۲۰۰۳. زاد المعاد. ۱ ج. بیروت - لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ص ۴۲۳.
۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، و اعلمی، علاء الدین. ۱۴۲۳-۲۰۰۳. زاد المعاد. ۱ ج. بیروت - لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ص ۴۲۳.
۱۴. سوره نور، آیه ۶۳.
۱۵. رسولی، هاشم، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، و آشتیانی، محمدحسین. بدون تاریخ. المناقب. ۴ ج. قم - ایران: علامه، ج ۳، ص ۱۷۸.
۱۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، علامه، ضیاء الدین، و فقیه ایمانی، کمال. ۱۴۰۶-۱۳۶۵. الوافی. ۲۶ ج. اصفهان - ایران: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة، ج ۱، ص ۵۲.
۱۷. سوره احزاب، آیه ۳۳.
۱۸. صالح، صبحی، شریف رضی، محمد بن حسین، و علی بن ابی طالب (ع)، امام اول. ۱۳۶۶-۱۴۰۷. نهج البلاغه: و هو مجموع ما اختاره الشريف ابو الحسن محمد الرضی بن الحسن الموسوی من كلام ابی الحسن علی بن ابی طالب علیه السلام. ۱ ج. قم - ایران: مؤسسة دار الهجرة، ص ۴۱۷.

۱۹. صالح، صبحی، شریف رضی، محمد بن حسین، و علی بن ابی طالب (ع)، امام اول. ۱۳۶۶-۱۴۰۷. نهج البلاغة: و هو مجموع ما اختاره الشريف ابوالحسن محمدالرضی بن الحسن الموسوی من كلام ابی الحسن علی بن ابی طالب علیه السلام. ۱ ج. قم - ایران: مؤسسه دار الهجرة ص ۳۲۵.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی ج ۳۰، ص ۵۳۵.
۲۱. برای مطالعه بیشتر رک به:
 صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب ۸۴، ح ۵؛
 صحیح مسلم، کتاب الوصیة، باب ۶، ح ۸؛
 صحیح بخاری، کتاب المرضی، باب ۱۷، ح ۱؛
 صحیح بخاری، کتاب العلم، باب کتابه العلم، ح ۴؛
 صحیح بخاری، کتاب الجهاد و السیر، باب ۱۷۵، ح ۱؛
 صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب ۸۴، ح ۴؛ صحیح مسلم، کتاب الوصیة، باب ۶، ح ۶.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی ج ۳۰، ص ۵۳۶۵.
۲۳. برای مطالعه بیشتر رک به رسولی، هاشم، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، و آشتیانی، محمدحسین. بدون تاریخ. المناقب. ۴ ج. قم - ایران: علامه، ج ۳، ص ۲۲۱.
۲۴. فهری زنجانی، احمد، و ابن طاووس، علی بن موسی. بدون تاریخ. اللهوف علی قتلی الطفوف، یا، آهی سوزان بر مزار شهیدان. ۱ ج. تهران - ایران: جهان، ص ۱۱۳.
۲۵. حائری، محمد بن ابی طالب، و کریم، فارس حسون. ۱۴۱۸. تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسم ب«مقتل الحسين عليه السلام». ۲ ج. قم - ایران: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ج ۲، ص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ فهری زنجانی، احمد، و ابن طاووس، علی بن موسی. بدون تاریخ. اللهوف علی قتلی الطفوف. ۱ ج. تهران - ایران: جهان، ص ۱۱۲ - ۱۱۴.
۲۶. حائری، محمد بن ابی طالب، و کریم، فارس حسون. ۱۴۱۸-۱۳۷۶. تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسوم ب«مقتل الحسين عليه السلام». ۲ ج. قم - ایران: بنیاد معارف اسلامی، ج ۲، ص ۳۱۳.
۲۷. حائری، محمد بن ابی طالب، و کریم، فارس حسون. ۱۴۱۸-۱۳۷۶. تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسوم ب«مقتل الحسين عليه السلام». ۲ ج. قم - ایران: بنیاد معارف اسلامی، ج ۲، ص ۳۱۲.